



## شناخت‌های عقلی

**کلیدواژه:** [شناخت](#)، [عقل](#)،

**پرسش:** شناخت‌های عقلی چند نوع است؟

### فهرست مندرجات

[۱- انواع شناخت‌های عقلی](#)

[۱.۱- شناخت‌های بدیهی](#)

[۱.۱.۱- بطلان تناقض](#)

[۱.۱.۲- قانون علیت](#)

[۱.۱.۳- قانون امثال](#)

[۱.۲- شناخت‌های نظری](#)

[۲- منبع](#)

### انواع شناخت‌های عقلی

شناخت‌های عقلی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. شناخت‌های بدیهی؛

۲. شناخت‌های نظری.

#### ← شناخت‌های بدیهی

«شناخت‌های بدیهی» عبارت است از شناخت‌هایی که خود به خود معلوم است، و انسان برای معلوم شدن آنها نیازی به [فکر](#) و [برهان](#) و دلیل ندارد، بلکه عقل بدون هیچ‌گونه دلیل و برهانی آن شناخت‌ها را در خود می‌یابد که «آفتاب آمد دلیل آفتاب».

چند مثال برای شناخت‌های بدیهی:

#### ←← بطلان تناقض

مثال اول: عقل پس از تصور هستی و نیز تصور نیستی، به طور واضح و قاطع و بدون هیچ‌گونه شک و تردید می‌داند که جمع میان هستی و نیستی ممکن نیست. یعنی نمی‌شود که یک چیز در یک آن، هم باشد و هم نباشد. و در این شناخت، عقل هیچ دلیلی مطالبه نمی‌کند. هر کس که دارای کمترین [شیعور](#) و عقل باشد، «[بطلان تناقض](#)» را درک می‌کند، هر چند که معنی کلمات «بطلان» و «تناقض» را نداند. و اگر از او بپرسید که چرا جمع میان هستی و نیستی ممکن نیست؟ می‌گوید: چرا ندارد، روشن است، نیازی به دلیل نیست.

#### ←← قانون علیت

مثال دوم: «[قانون علیت](#)» یعنی هر پدیده‌ای، پدید آورنده‌ای دارد. شناخت این قانون نیز از شناخت‌های بدیهی عقلی است. یعنی عقل، خود به خود می‌داند که هر چیزی که نبوده و بعد پیدا شده است، قطعاً ایجاد کننده و پدید آورنده دارد، و ممکن نیست چیزی خود به خود و بدون [علت](#) پدید آید.

شما اگر وارد کلاس درس شوید و ملاحظه کنید که روی تخته چیزی نوشته شده است که قبلاً وجود نداشت، به وضوح می‌دانید که این نوشته، اثر یک نویسنده است. و اگر کسی ادعا کند که خطوط روی تخته، خود به خود نگارش یافته است، نه تنها باور نمی‌کنید، بلکه اگر احتمال شوخی ندهید، قطعاً گوینده را فرد عاقلی نمی‌دانید.

قانون علیت، قانونی است که حتی حیوانات هم آن را درک می‌کنند. شما ملاحظه می‌کنید که گنجشک‌ها در صحن حیاط مشغول جمع کردن دانه هستند. اما به محض این که صدایی می‌شنوند، همگی پرواز می‌کنند. این دلیل آن است که آنها قانون علیت را می‌فهمند، یعنی درک می‌کنند که صدا بدون تولید کننده صدا، به وجود نمی‌آید، و چون ممکن است تولید کننده، مزاحم آنها شود، فرار را بر فرار ترجیح می‌دهند.

مثال سوم: «قانون امثال» یعنی امور همانند، احکامی همانند دارند. اگر دو یا چند چیز از هر نظر مانند یکدیگر باشند، قطعاً احکام و قوانین مربوط به آنها نیز از هر نظر مشابه یکدیگر است و این، یکی از شناخت‌های روشن و بدیهی عقل است و عقلی هر کس این واقعیت را می‌فهمد، هر چند که معنی اصطلاح «قانون امثال» را نداند.

هرکس به روشنی درک می‌کند که مثلاً دو یا چند آب در شرایط همانند، احکامی همانند دارند، یعنی اگر آب یک ظرف در صد درجه حرارت جوش آمد، عقل می‌گوید هر آب دیگری که شرایطی همانند آن داشته باشد، در صد درجه حرارت جوش می‌آید؛ و امکان ندارد که امور همانند، احکامی متفاوت داشته باشند.

### ← شناخت‌های نظری

اما «شناخت‌های نظری» عبارت از شناخت‌هایی است که به خودی خود برای عقل معلوم و روشن نیست و عقل بدون دلیل نمی‌تواند آنها را باور کند، مانند این شناخت که «زمین کروی است» و یا «حرکت، علت حرارت است» که عقل جز در پرتو اندیشه و جز براساس دلیل و [بیرهان](#) نمی‌تواند آنها را بپذیرد.

پس از مشخص شدن انواع شناخت‌های عقلی، اکنون باید دید که شناخت‌های فطری عقلی با کدام یک از این شناخت‌ها تطبیق می‌کند. «شناخت‌های فطری عقلی همان شناخت‌های بدیهی است»؛ به این معنی که شناخت‌های بدیهی در [فطرت](#) و سرشت و طبیعت عقل وجود دارد و این شناخت‌ها به صورت [فوه](#) و [استعداد](#) از آغاز آفرینش همراه انسان بوده است و با تحقق شرایط در شکوفایی استعداد مذکور، آن شناخت‌ها فعلیت می‌یابد.

به بیان ساده‌تر، طبیعت انسان به گونه‌ای ساخته شده که وقتی مفهوم هستی را فهمید، و مفهوم نیستی را نیز دریافت، و همچنین مفهوم جمع میان هستی و نیستی را ادراک کرد، بدون نیاز به فکر و دلیل، خود به خود می‌یابد که جمع هستی و نیستی ممکن نیست.

منبع

[حدیث‌نت، برگرفته از مقاله «شناخت‌های عقلی» تاریخ بازبینی ۱۱/۳/۱۳۹۶.](#)